

Attribution in Civil Liability in Iranian Law with a View to American Law

Zohreh Mostafa¹, Alireza Mashhadizadeh^{2*}, Amir Abbas Bozorgmehr³, Esmail Shahsavandi⁴

1. PhD Student of Department of Private Law, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

3. Assistant Professor of Department of Private Law, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4. Assistant Professor of Private Law Department, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 439-456

Article history:

Received: 26 Apr 2023

Edition: 21 Jun 2023

Accepted: 7 Sep 2023

Published online: 30 Sep 2023

Keywords:

Civil Liability, Actual Cause, Primary Cause in Effect, Proportional Cause, Damage.

Corresponding Author:

Alireza Mashhadizadeh

Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Law, Department of Private Law.

Orchid Code:

0000-0002-9236-376X

Tel:

0912 172 8665

Email:

Al.mashhadizadeh@iau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Attribution in civil responsibility, especially when several factors are involved in the occurrence of losses, is one of the important issues that has always been the subject of debate and opinion. The purpose of this article is to investigate the attribution of civil liability in Iranian law with a view to American law.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative and data collection has been used.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: In Iranian law, the attribution of civil liability is determined based on longitudinal and transverse causes and according to the impact of each factor. In American law, however, based on the principle of proportional cause, on the basis of custom, the role of the cause of loss and damage is determined based on the element of knowledge regarding the occurrence of damage. Based on the principle of proportional cause, it is possible to identify the role of each cause by relying on custom, and the cause that has the main effect on the result can be held responsible.

Conclusion: There is a lot of similarity in Iranian and American laws regarding the attribution of civil liability. In American law, the basis of fault is used to assign civil responsibility, and on the other hand, in American law, there are different degrees of fault, and based on these degrees of fault, the amount of responsibility and compensation of the guilty person is calculated and evaluated, while in Iranian law, the degree of fault is in the amount Responsibility is not effective.

Cite this article as:

Mostafa Z, Mashhadizadeh A, Bozorgmehr A B, Shahsavandi E. *Attribution in Civil Liability in Iranian Law with a View to American Law. Economic Jurisprudence Studies. 2023.*

انتساب در مسئولیت مدنی در حقوق ایران با نگاهی به حقوق کشور آمریکا

زهره مصطفی^۱، علیرضا مشهدی‌زاده^{۲*}، امیرعباس بزرگمهر^۳، اسماعیل شاهسوندی^۴

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۴. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: انتساب در مسئولیت مدنی به خصوص وقتی چندین عامل در وقوع ضرر و زیان نقش دارند از موضوعات مهمی است که همواره محل بحث و نظر بوده است. هدف مقاله حاضر بررسی انتساب در مسئولیت مدنی در حقوق ایران با نگاهی به حقوق کشور آمریکا است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: در حقوق ایران، انتساب مسئولیت مدنی بر اساس اسباب طولی و عرضی و برحسب میزان تأثیر هر یک از عوامل تعیین می‌شود. در حقوق آمریکا اما بر مبنای اصل سبب متناسب، بر پایه عرف، نقش عامل ضرر و زیان بر اساس عنصر آگاهی در خصوص وقوع خسارت، تعیین می‌شود. بر اساس اصل سبب متناسب می‌توان با تکیه بر عرف نقش هر سبب را شناسایی کرد و آن سببی که تأثیر اصلی را بر نتیجه گذاشته است مسئول دانست.

نتیجه: در حقوق ایران و آمریکا شباهت زیادی در خصوص انتساب در مسئولیت مدنی وجود دارد. در حقوق آمریکا از مبنای تقصیر جهت انتساب مسئولیت مدنی استفاده شده و از طرفی در حقوق آمریکا قائل به درجات مختلف تقصیر هستند و بر مبنای همین درجات تقصیر، میزان مسئولیت و جبران خسارت شخص مقصر محاسبه و ارزیابی می‌شود؛ درحالی‌که در حقوق ایران درجه تقصیر در میزان مسئولیت مؤثر نیست.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۳۹-۴۵۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۶

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۳/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸

واژگان کلیدی:

مسئولیت مدنی، اسباب واقعی، سبب مقدم در تأثیر، سبب متناسب، خسارت.

نویسنده مسئول:

علیرضا مشهدی‌زاده

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، گروه حقوق خصوصی.

کد ارکید:

0000-0002-9236-376X

تلفن:

۰۹۱۲۱۷۲۸۶۶۵

پست الکترونیک:

Al.mashhadizadeh@iau.ac.ir

۱. مقدمه

آنچه در بحث مسئولیت بسیار حائز اهمیت است، مبنای مسئولیت است؛ به‌گونه‌ای که یکی از حقوق‌دانان فرانسوی در بیان اهمیت آن می‌نویسد: «مبالغه نیست اگر قائل شویم به اینکه، مسئله مبنای مسئولیت مهم‌ترین مسئله در حقوق خصوصی است» (مازو، ۱۹۹۸، ۲۱۰). یکی از موضوعاتی که نیازمند بررسی دقیق و علمی می‌باشد بحث انتساب مسئولیت است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تغییرات قابل ملاحظه‌ای در خصوص رابطه سببیت و انتساب مسئولیت به چشم می‌خورد از یک منظر به نظر می‌رسد، رابطه سببیت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ معیار واضح و مشخصی ندارد و از منظر دیگر، گویی قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تکلیف بحث را روشن کرده است. از این رو محل نزاع از اینجا آغاز می‌شود که در حقیقت شرط اصلی انتساب مسئولیت چه چیزی است. این موضوع سبب شده است تا در مقاله حاضر رویکرد قانون‌گذار مورد بررسی قرار گیرد و مفهوم «سبب متناسب» که شاه‌کلید بحث انتساب مسئولیت است در حقوق ایران و آمریکا مورد بررسی تطبیقی قرار گیرد. در واقع سبب متناسب به‌نوعی می‌خواهد به این نتیجه برسد که زیان در نتیجه کدام‌یک از اسباب صورت گرفته است؟ در واقع سبب متناسب دارای دو ویژگی بارز است: ویژگی نخست، نقش تقصیر در رابطه سببیت است. ویژگی دوم معیار قابلیت پیش‌بینی ایراد ضرر که هر دو ویژگی مذکور در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ لحاظ شده است. از این رو در مباحثاتی موضوعات به‌نحو تفصیلی تبیین خواهد شد. هدف مقاله حاضر بررسی انتساب در مسئولیت مدنی در حقوق ایران با نگاهی به حقوق

کشور آمریکا است. در قانون مدنی زیر عنوان ضمان قهری از چهار عامل: غصب، اتلاف و تسبیب و استیلا یاد می‌شود که در اصطلاح از آن‌ها با عنوان اسباب مسئولیت در حقوق مدنی یاد می‌شود. در واقع وقتی فردی مستحق دریافت خسارت می‌شود که از باب موارد چهارگانه فوق به او زیان رسیده باشد؛ اما آنچه مهم‌تر از بحث اسباب مسئولیت مدنی است این است که در واقع در چه زمانی ما شخص را متوجه مسئولیت مدنی می‌دانیم؟ برای نمونه اگر فردی اموال دیگری را تضرع کرده باشد، انتساب مسئولیت مدنی به وی چگونه خواهد بود؟ به این دلیل در مطالعه تطبیقی انتساب مسئولیت مدنی انتخاب شده است که حقوق مسئولیت مدنی در کشور آمریکا بسیار مورد توجه پژوهشگران و نویسندگان حوزه مسئولیت مدنی بوده است. لازم است در همین جا این موضوع روشن شود که نظام حقوقی حاکم بر کشور آمریکا ترکیبی از نظام حقوقی کامن‌لا و قوانین مصوب قوه قانون‌گذاری است. مسئولیت مدنی به‌طور غالب تنها مبتنی بر نظام کاملاً یا به‌عبارتی فقط در برخی موارد مشاهده می‌شود که قانون‌گذار اقدام به قانون‌گذاری کرده است. در واقع این موضوع به‌وضوح روشن است که برای تحقق مسئولیت مدنی در حقوق ایران وجود سه رکن الزامی است. رکن اول، رکن ضرری است؛ با این توضیح که باید به طرف مقابل زیانی وارد شود. مورد دوم، ارتکاب فعل زیان‌بار است؛ با این توضیح که رفتاری که علیه طرف مقابل صورت می‌گیرد به-ذاته زیان‌زننده باشد. حالت سوم که به‌نوعی اصلی‌ترین موضوع این مقاله را تشکیل می‌دهد رابطه سببیت بین فعل زیان‌زننده و طرف مقابل است. در واقع اینجاست که باید دادرس مشخص کند زیان

محوری، توجه به سیاست‌های بازدارندگی و توزیع ضرر با هدف تنظیم رفتار اجتماعی و بازاری تابعان حقوق و باز بودن دروازه مسئولیت مدنی، از جمله مهم‌ترین این ویژگی‌هاست. باقری و دیگران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای، مسئولیت مدنی پلی‌بک در فقه، حقوق ایران و آمریکا با نگاهی به اصول حکمرانی مطلوب را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج مطالعه قوانین آمریکا و ایران حکایت از آن دارد که اجرای پلی‌بک در کنسرت زنده، اگر در قرارداد که همان بلیت است اجرای زنده قید شده باشد، نوعی فعل سلبی بوده است و مسبب این امر مقصر شناخته شده می‌شود. در نتیجه، عمل نیز نوعی تقصیر خواهد بود و مسئولیت مدنی به‌همراه دارد.

در مقاله حاضر، هدف بررسی انتساب در مسئولیت مدنی در حقوق ایران با نگاهی به حقوق کشور آمریکا است. همین امر تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام شده است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخی درست برای انتساب مسئولیت مدنی است و این هدف را دنبال می‌کند تا به دادرسان محترم رسیدگی‌کننده به بحث مسئولیت مدنی کمک کند تا بعد از ورود زیان بتوانند در انتساب مسئولیت مدنی دقیق‌تر عمل کنند. از این رو از لحاظ چهارچوب نظری بحث نویسندگان مقاله حاضر بعد از بیان کلیات پژوهش، در ابتدا مبانی مسئولیت مدنی را در حقوق ایران و آمریکا مورد بررسی تطبیقی قرار می‌دهد و سپس بحث انتساب مسئولیت مدنی را در دو کشور بررسی می‌کند.

وارده ناشی از فعل شخص زیان‌زننده بوده است یا نه. در بعضی از موارد انتساب مسئولیت مدنی به‌سادگی امکان‌پذیر است و آن جهات مادی است برای مثال وقتی شخصی شیشه خانه دیگری را می‌شکند تمام ارکان سه‌گانه برای تحقق مسئولیت مدنی محرز است. اما در بعضی از موضوعات مشاهده می‌شود که به‌راحتی نمی‌توان رابطه سببیت را احراز کرد و به نوعی وضعیت انتساب مسئولیت مدنی با مشکل روبه‌رو می‌شود. برای نمونه اگر فردی در پایین‌تر از کارخانه‌ای اقدام به کاشت نهال کند و بعد از مدتی نهال‌های او خشک شود و شخص کشاورز مدعی آلوده شدن آب باشد که باعث از بین رفتن نهال‌های او شده است در واقع در اینجا چون وضعیت مادی به‌وضوح روشن نیست انتساب مسئولیت مدنی با مشکل روبه‌رو می‌شود. هرچند این مثال بازهم به نوعی قابل سنجش است؛ اما گاه در محاکم پرونده‌هایی مشاهده می‌شود که شرایط انتساب مسئولیت مدنی دشوار است.

تخشید و بادینی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای مقدمه حقوق مسئولیت مدنی آمریکا را به‌صورت تحلیلی و انتقادی با رویکرد تطبیقی بررسی کرده است. مطابق نتایج مقاله مورد اشاره، درهم تنیدن حقوق فدرال و حقوق ایالات و تأثیر قوانین بر نظام مسئولیت مدنی و مفاهیم و اصطلاحات خاص نظام مسئولیت مدنی آمریکا که بیشتر باید محتوای آن‌ها را درک کرد تا معنی ظاهری، جزو محدودیت‌ها و دشواری‌های پژوهش در این حوزه است. از سوی دیگر، نظام مسئولیت مدنی این کشور مبتنی بر ایده‌ها و چارچوب‌هایی است که بر اجرای قواعد و فروعات مسئولیت مدنی در دعاوی تأثیرگذار است: زیان‌دیده-

۲. مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی و مواد و داده‌ها کیفی است. از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها: در حقوق ایران، انتساب مسئولیت مدنی بر اساس اسباب طولی و عرضی و برحسب میزان تأثیر هر یک از عوامل تعیین می‌شود. در حقوق آمریکا اما بر مبنای اصل سبب متناسب، بر پایه عرف، نقش عامل ضرر و زیان بر اساس عنصر آگاهی در خصوص وقوع خسارت، تعیین می‌شود. بر اساس اصل سبب متناسب می‌توان با تکیه بر عرف نقش هر سبب را شناسایی کرد و آن سببی که تأثیر اصلی را بر نتیجه گذاشته است مسئول دانست.

۵. بحث

در این قسمت مفاهیم پژوهش و یافته‌ها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. مفهوم مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی، تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است؛ خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا ناشی از فعالیت او شده باشد. در این قسمت مفهوم مسئولیت مدنی بررسی می‌شود. در کلام فقها به جای مسئولیت از واژه تکلیف

استفاده شده و آنچه مبنای تکلیف و مسئولیت تلقی می‌شود عبارت است از، قاعده لاضرر، قاعده اتلاف، قاعده تسبیب، ضمان ید، ضمان غرور، ضمان تعدی و تفریط که همه این مبانی بیانگر این است که نظام حقوقی اسلام هیچ ضرری را جبران نشده باقی نمی‌گذارد. هرچند عامل ورود زیان مقصر نیز نباشد و به جبران خسارت زیان‌دیده بیش از مکافات دادن عامل زیان توجه دارد (عباسلو، ۱۳۹۰، ۱۹). در واقع در ادامه باید به این موضوع اشاره کرد که مسئولیت به معنای قانونی آن نیز همان التزامی شخص به تحمل حکم قهری قانون در قبال رفتاری است که از وی صادر شده است از حقوق دانان ایرانی با توجه به- معنای لغوی مذکور «مسئولیت» را عبارت از التزامی شخص به پاسخ‌گوی اعمال و رفتار خویش در قبال مردم دانستند که معیار تجلی آن اعمال و رفتاری است که موجب خسارت یا جنایت می‌شود (دلبری، ۱۳۹۴، ۲۳). برخی موارد مسئولیت مدنی را مسئولیت شخصی در برابر خساراتی که آن شخص یا تحت حراست وی به دیگران وارد می‌کند و نیز مسئولیت شخص بر اثر تخلف از انجام تعهدات قراردادی تعریف کرده‌اند و برخی درباره مفهوم مسئولیت مدنی بر این عقیده‌اند هر موردی که کسی موظف به جبران خسارت دیگری در برابر او مسئولیت مدنی دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۴۸).

در حقوق ایران، مسئولیت مدنی عبارت است از نقض یک وظیفه غیر قراردادی که به‌طور بالقوه در زمینه همه انسان‌ها است و به وسیله قانون تحمیل شده است (فرمانفرمایان، ۱۳۹۵، ۵۲).

در حقوق کشور آمریکا مسئولیت مدنی عبارت است از یک خطای مدنی یعنی غیر از یک نقض قرارداد که

است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ۱۷۵). یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها در باب مسئولیت، تئوری تقصیر است. در این نظریه مسئولیت بر پایه تقصیر نهاده شده است. فاعل زیان هنگامی زیان‌ها را جبران می‌کند که مرتکب تقصیر شده باشد و زیان‌دیده به عنوان مدعی، تقصیر و رابطه علیت بین تقصیر فاعل زیان و زیان‌ها را اثبات کند. بنابراین طبق نظریه تقصیر، اصل طبیعی آن است که در صورت ایجاد ضرر، تنها کسی مسئول جبران ضرر شناخته شود که در رفتار و اعمال خود از حد متعارف خارج شده باشد و در غیر این صورت، اگر اعمال و رفتار فرد در محدوده و چارچوب قوانین و ضوابط تعریف‌شده باشد، نمی‌توان او را مسئول جبران خسارت دانست.

آماره یا فرض تقصیر بدین معنا است که اصل بر تقصیر زیان‌زننده است؛ مگر خلاف آن را ثابت کند. بنابر دیدگاه کاتوزیان «عیب مهم نظریه تقصیر این است که گاه زیان‌دیده نمی‌تواند خطای کسی را که به او ضرر زده است اثبات کند و در نتیجه خسارت، جبران‌نشده باقی می‌ماند. برای رفع این عیب، قانون‌گذار در پاره‌ای از امور تقصیر عامل زیان را مفروض شناخته و زیان‌دیده را از اثبات آن بی‌نیاز ساخته است. اثر مهم این‌گونه اماره قانونی این است که در دعاوی خسارت، جای طبیعی مدعی‌علیه تغییر می‌کند، کسی که مدعی است (زیان‌دیده) در مقام مدعی علیه قرار می‌گیرد و خواننده دعوا (عامل ورود زیان) باید ثابت کند که تقصیر نکرده است» (کاتوزیان، ۱۳۷۰، ۲۰۰).

آنچه پیش‌تر گذشت، در ذیل تئوری تقصیر بود؛ چرا که افراد حرفه‌ای در زیر چتر اخلاق حرفه‌ای، به‌ویژه گروه‌های فاخر اجتماعی که به‌دلیل نقش کلیدی

قانون برای آن راهکارهای جبران خسارت را فراهم آورده است (هاریپوود، ویوین، ۲۰۰۳، ۸۵).

مسئولیت مدنی یعنی اینکه هر کسی نسبت به اعمالی که به‌عمد یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی، مال یا آزادی، حیثیت و یا شهرت تجاری دیگری لطمه‌ای وارد کند، چه مادی و چه معنوی، مسئول است و خسارت ناشی از عمل خود را نیز باید جبران کند.

۵-۲. مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و آمریکا

در این قسمت مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و آمریکا بررسی می‌شود.

۵-۲-۱. مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران

مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران شامل مواردی است که در ادامه بیان می‌شود.

۵-۲-۱-۱. تئوری تقصیر

تقصیر عبارت است از نقض عهده‌ای از قبل شخصی که به‌موجب قانون یا عرف بر عهده داشته است و یا تجاوز به اعتماد مشروع را تقصیر تلقی می‌کنند (امامی، ۱۳۹۷، ۲۲۷). «برخی نیز بر آن‌اند که تقصیر، ترک عملی است که شخص ملزم به انجام آن است یا ارتکاب عملی که از انجام دادن آن منع شده است، قسمت نخست را تفریط و قسمت دوم را تعدی می‌نامند و تقصیر اعم از تعدی و تفریط

آن‌ها سوگند درست‌کاری در برابر جامعه هدف خورده‌اند؛ مانند پزشکان در برابر بیماران (سالارزائی، ۱۳۹۸، ۵). عیب بزرگ نظریه تقصیر این است که گاه زیان دیده نمی‌تواند خطای کسی را که به او ضرر زده است اثبات کند و در نتیجه، خسارت جبران نشده باقی می‌ماند. برای رفع این عیب، قانون‌گذار درپاره‌ای امور، تقصیر عامل زیان را مفروض شناخته است و زیان‌دیده را از اثبات تقصیر عامل ورود زیان بی‌نیاز می‌کند.

۵-۲-۱-۲. نظریه خطر

مطابق این نظریه هرکس اعمال سودبخشی برای خود انجام می‌دهد ضامن تاوان‌های خواسته و ناخواسته آن‌هم باید باشد. برخلاف تصور اینکه نظریه خطر یک تئوری در ادبیات حقوقی اروپاست، در فهرست قواعد فقهی ما مسلمانان قاعده معروف «من له الغنم فعلیه الغرم» قرن‌هاست که با همان مفهوم تئوری خطر، مندرج و مطرح است (سالارزائی، ۱۳۹۸، ۶) در یک عبارت کوتاه معنای این قاعده در یکی از تألیفات چنین آمده است: «هو التلازم بین الخساره و الفائده» (مصطفوی، ۱۴۳۱، ۲۸۴). معنای قاعده مذکور این است که در یک عمل، بین فایده‌ای که شخص می‌برد و تاوانی که باید بپردازد ملازمه و پیوستگی وجود دارد. یعنی هرکس از یک چیزی سود و منفعت مالی می‌برد ضامن زبانی که به دیگران در مقابل آن منفعت کسب‌شده وارد می‌کند باید باشد (سالارزائی، ۱۳۹۸، ۷).

تنوری تقصیر با تئوری دیگری نیز تعریف می‌شود که به نام تئوری خطر شناخته شده است. هرکس که

بر اثر فعل و فعالیت خود، خطرهایی ایجاد کند و موجب زیان دیگری شود، مسئولیت مدنی دارد و ملزم و متعهد به جبران خسارت وارده به زیان‌دیدگان است. برای مثال کسی که کارخانه یا کارگاهی را ایجاد می‌کند یا اتومبیلی را به حرکت در می‌آورد، محیطی مخاطره‌آمیز را ایجاد می‌کند و خطرهایی برای دیگران به‌وجود می‌آورد و چون از این فعالیت‌ها نفع و فایده می‌برد، ناچار باید ضرری را که از این راه متوجه دیگران می‌شود، تقبل و جبران کند. مطابق این تئوری، شخص زیان‌دیده کافی است ثابت کند که به او خسارتی وارد شده است و این خسارت با فعل و فعالیت عامل حادثه رابطه علیت دارد. پیدایش این تئوری معلول ازدیاد حوادث کار در کارخانه‌ها و تصادف‌های وسایل نقلیه موتوری زمینی بوده است و هدف آن حمایت از حقوق زیان‌دیدگان دانسته شده است. این تئوری، موضوع رأی معروف دیوان کشور فرانسه در سال ۱۹۳۰ بوده است و از ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه (کد ناپلئون) استنباط شده است. به موجب ماده مذکور دارنده «شیء خطرناک» مسئول جبران زیان واردشده به غیر است.

۵-۲-۱-۳. نظریه تضمین حق

«مطابق این مبنا که به‌وسیله استارک، دانشمند فرانسوی ارائه شده است، هرکس در جامعه حق دارد که سالم و ایمن زندگی کند و از اموال و دارایی خود سود ببرد و از منافع آن منتفع گردد که این حق نیز به‌وسیله قوانین حمایت شده است و ضمانت اجرایی این حمایت مسئول دانستن متجاوز می‌باشد. لذا همه افراد جامعه موظف‌اند تا به حقوق دیگران احترام بگذارند و ایمنی دیگران را به خطر نیندازند و اگر

و همین الزام به جبران زیان، مسئولیت مدنی نامیده می‌شود.

۵-۲-۲. مبانی در حقوق آمریکا

برخی از حقوق‌دانان در خصوص توجه مسئولیت مدنی به فرد مسبب معتقدند که در نظام حقوقی آمریکا که مبتنی بر حقوق کامل‌لا است برای امکان طرح دعوای ناشی از مسئولیت مدنی چهار شرط اساسی لازم است: ۱. وجود یک وظیفه یا یک تکلیف قانونی که فردی نسبت به دیگری عهده‌دار باشد. ۲. نقض وظیفه یا تکلیف مذکور توسط شخصی که عهده‌دار آن است. ۳. نقض تکلیف مذکور علت بلاواسطه یا نزدیک خسارت باشد. ۴. تحمل خسارت توسط زیان‌دیده. این در حالی است که این تعریف مذکور تنها تعریف یکی از موجبات مسئولیت مدنی در حقوق کامل‌لاست. برای طرح دعوی مسئولیت مدنی به‌طور کلی در آمریکا وجود این ارکان ضروری است (چارلز، ۲۰۱۲، ۱۲۰-۱۱۷).

این برداشت اشتباه ناشی از نداشتن درک کامل از حقوق مسئولیت مدنی در نظام کشور آمریکا است. «برخلاف نظام حقوقی ایران که مسئولیت مدنی در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مشخص شده است، برخی از کشورهای اروپایی مانند فرانسه که دعوای مسئولیت مدنی به‌طور کلی با وجود ارکانی شکل می‌گیرد، در آمریکا انواع مختلف دعوای مسئولیت مدنی وجود داشته که لزوماً ارکان مشترک ندارند. به همین دلیل برخی نویسندگان حوزه مسئولیت مدنی در آمریکا این رشته را به گالری نقاشی تشبیه کرده‌اند که هر اثری از دیگری مجزا بوده و با دیگری

حقی ضایع و تلف شد باید به‌وسیله تلف‌کننده جبران گردد» (کاتوزیان، ۱۳۷۰، ۱۲۸). طبق این نظریه با دو دسته حقوق مواجه هستیم: ۱- حق زیان‌دیده (حق امنیت، آرامش، سلامت)؛ ۲- حق زیان‌زننده (حق فعالیت و تلاش). سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر میان حق زیان‌دیده و زیان‌زننده تراحم ایجاد شود کدام یک مقدم است و باید جبران شود؟ بنابراین بر مبنای این نظریه حقوق را باید به دو گروه تقسیم کرد: ۱. فعالیت‌های منجر به ضررهای جسمی؛ که این قبیل ضررها به‌طور نوعی و بدون نیاز به اثبات تقصیر فاعل زیان‌مورد تضمین قرار گرفته است؛ زیرا لازمه اجرای هیچ حقی، ضرر زدن به تمامیت جسمی و مادی دیگران نیست. از این‌رو اگر بر اثر فعالیت کسی به تمامیت جسمی و مادی دیگری ضرری وارد شود، فرض این است که فاعل مقصر است یا اقدامی نامتعارف انجام داده است. بدین ترتیب، در این قبیل موارد، حق امنیت بر حق فعالیت مقدم می‌شود. ۲. فعالیت‌های آسیب‌زا: طبیعت بعضی فعالیت‌ها چنان است که با اضرار به دیگری ملازمه دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۰، ۱۲۹).

نظریه تضمین حق، ضمن جدا کردن حقوق مربوط به جسم و جان انسان از حقوق مادی و معنوی او، در پی اثبات برتری حقوق مربوط به جسم و جان اوست. بر اساس این نظریه، هرکسی حق این را دارد که در جامعه خود سالم و ایمن زندگی کند و حقوق او تضمین شود. هیچ‌کس حق این را ندارد که حقوق و سلامتی و ایمنی زندگی دیگران را به مخاطره بیندازد. بنابراین به محض اینکه حقی از بین رفت و زبانی وارد آمد، عامل زیان‌موظف به جبران آن است

متفاوت است. انواع دیگر دعاوی حقوقی مسئولیت مدنی در آمریکا، مزاحمت، تجاوز به حریم خصوصی، مسئولیت تولیدکنندگان کالاهای معیوب، اهانت و غیره را شامل می‌شود که برای طرح هر یک از آنها عناصر ویژه‌ای لازم است» (حسنی، ۱۳۹۱، ۱۹۹).

مبانی مسئولیت مدنی در نظام حقوقی کشور آمریکا تفاوت ملموسی با مبانی نظریهٔ مسئولیت مدنی در حقوق ایران دارد در واقع ملاحظه می‌شود که مسئولیت مدنی در حقوق کشور آمریکا تابع برداشتهای اجتماعی از عدالت است (برنشتاین، ۱۹۹۸، ۱۳۲-۱۱۱). در نظام حقوقی کشور آمریکا بر حسب مصلحتی که دادرس با توجه به پرونده تشخیص می‌دهد امکان دارد که اصل تقصیر یا مسئولیت محض یا در بعضی موارد هم عدالت اقتضا کند که پرداخت خسارت توسط دولت صورت بگیرد. مشاهده می‌شود که مبانی مسئولیت مدنی در حقوق کشور آمریکا بر حسب مصلحت و عدالت تابع سه مبنای تقصیر، مسئولیت محض یا جبران خسارت توسط دولت است. مسئولیت مدنی بر پایهٔ تقصیر در حقوق کشور آمریکا زمانی تحقق می‌پذیرد که رفتارها ضد اجتماعی باشد. بدین معنی که هزینه‌ها و ضررهایش از منافع آن بیشتر باشد. در حقوق کشور آمریکا اگر منافع از زیان‌ها بیشتر باشد و این رفتار صدق زیان نماید، مستحق جبران خسارت و مسئولیت مدنی نیست (دارل‌ال، ۲۰۱۳، ۲۰-۱).

از این رو مسئولیت مدنی بر پایهٔ تقصیر زمانی در حقوق آمریکا ایجاد می‌شود که هزینه‌ها و ضررها بیشتر از منفعت آن باشد. در خصوص مسئولیت محض به‌عنوان دومین مبنا برای مسئولیت مدنی، باید به این موضوع اذعان کرد که در حقوق آمریکا

پاره‌ای از رفتارها دارای مسئولیت بدون تقصیر یا به-عبارتی مسئولیت محض است؛ مانند ضمان ناشی از نگهداری حیوانات وحشی، ضمان مالکان و ضمان محض ناشی از فراورده‌های صنعتی از جمله مثال‌هایی برای مسئولیت محض در حقوق آمریکا است (دایز، ۱۹۷۳، ۴۸). در واقع هر گونه اتفاقی که از سوی حمل‌کننده ایجاد شود حتی بدون تقصیر داخل در بحث مسئولیت مدنی و از باب مسئولیت مدنی محض باید زیان جبران شود. سومین مبنایی که در حقوق آمریکا به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی از آن بحث می‌شود جبران مسئولیت توسط دولت است با این توضیح که برخی از رفتارها امکان دارد صورت پذیرد که نه‌تنها ضرر رسان نیست؛ بلکه منافی هم در بردارد؛ اما امکان دارد این رفتار که بر مبنای اصل رفاه و خیر است تولید ضرر کند. حال سؤال این است که امکان دارد نه مسئولیت را بتوان به شخصی نسبت داد و نه تقصیر وجود دارد که بر مبنای آن مسئولیت مدنی را شناسایی کرد. آیا در این حالت باید زیان وارده جبران شود یا نه؟ پاسخ این سؤال مثبت است و خسارت باید پرداخته شود؛ ولی نه به‌وسیلهٔ مرتکب که سودی به جامعه رسانده است؛ بلکه جامعه باید با نمایندگی دولت خسارت را جبران کند.

۵-۳. انتساب مسئولیت مدنی

شرایط تحقق انتساب مسئولیت مدنی شامل مواردی است که در ادامه بیان می‌شود.

۵-۳-۱. لزوم برقراری علیت

یکی از موضوعاتی که در بحث انتساب مسئولیت از اهمیت بالایی برخوردار است، بحث برقراری رابطه علیت بین فعل و نتیجه زیان بار است. با این توضیح که زیربنای اساسی انتساب مسئولیت برقراری رابطه علیت بین فعل و نتیجه زیان بار است. در بحث رابطه علیت باید به این موضوع توجه داشت که فلاسفه دو دیدگاه عمده را در بحث رابطه علیت مورد ارزیابی قرار می دهند. این دو دیدگاه شامل دیدگاه عقل گرا و دیدگاه تجربه گرا است. منظور از دیدگاه عقل گرا دیدگاهی است که صرفاً بر اساس یک رابطه علی و معلولی مادی است و دیدگاه تجربه گرا بیشتر به رابطه بین علت و معلول توجه دارد و می خواهد این موضوع را مورد بررسی قرار دهد که از چه علتی است که معلول را ایجاد کرده است. برای اینکه موضوع روشن شود در دیدگاه عقل گرا صرفاً با یک سری از فاکتورهای از پیش تعیین شده علت سنجی می شود؛ درحالی که در دیدگاه تجربه گرا آن چیزی که متناسب برای ایجاد معلول بوده است شناسایی و اعلام می شود (کاپلستون، ۱۳۷۰، ۲۵۵).

این موضوع باعث شده است که هر یک از نظریه پردازان و اندیشمندان در بحث انتساب مسئولیت قاعده ای را در نظر بگیرند. رابطه علیت امری است که از وجود آن وجود معلول و از عدم آن عدم معلول لازم می آید. رابطه ضروری میان علت و معلول را یا همان رابطه علی معلولی را رابطه «علیت می نامند». ازاینرو در ماده ۵۰۶ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تعریف تسبیب آمده است: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود

مستقیم مرتکب جنایت نشود؛ به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی شد؛ مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند». ملاحظه می شود که در ماده ۵۰۶ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ غیر مستقیم از علیت بحث شده است. درجایی که قانون گذار عنوان می کند: «به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی شد». بنابراین ملاحظه می شود که در بحث تسبیب برای انتساب مسئولیت باید حتماً رابطه علی و معلولی بین فعل و نتیجه برقرار شود. می توان گفت احراز رابطه علیت جز این نیست که تقصیر مرتکب علت فاعلی یا پدیدآورنده صدمه بوده است و بدون آن صدمه حادث نمی شده است. نتیجه ای که از مطالب فوق حادث می شود این است که هرگاه ثابت شود میان تقصیر فاعل و صدمه یا زبانی که به دیگری رسیده است هیچ گونه رابطه ضروری وجود نداشته است، مرتکب مقصر محسوب نمی شود. این شرط را دیوان عالی کشور در آرای گوناگونی که درباره تخلف راننده از نظامات دولتی صادر کرده است این چنین بیان کرده است: «برحسب مستفاد از ماده ۱۷۷ قانون کیفری عمومی بی احتیاطی و بی مبالاتی یا تخلف از نظامات دولتی وقتی موجب مسئولیت کیفری خواهد شد که یکی از این امور و به طور غیر مستقیم علت وقوع حادثه باشد. بنابراین اگر راننده در اتومبیل باری، مسافر سوار کند و به واسطه پاره شدن لوله ترمز که ممکن است برای هر اتومبیل پیش آید ماشین واژگون شود که در نتیجه مسافر مزبور بمیرد؛ چون به هیچ وجه رابطه علیت و سبب این عمل متهم دائر بر سوار کردن مسافر در اتومبیل باری که تخلف از نظامات به شمار می رود با وقوع حادثه وجود نداشته است؛ بنابراین می توان عمل متهم را مشمول ماده

۱۷۷ مزبور دانست» (حکم شماره ۲۴۲-۱۹/۷/۳۰) بنابراین می‌توان گفت احراز رابطه علیت جز این نیست که تقصیر مرتکب علت فاعلی یا پدیدآورنده صدمه بوده است و بدون آن صدمه حادث نمی‌شده است.

در حقوق کشور آمریکا بحث علیت از اهمیت بالایی برخوردار است. در سیستم حقوقی کشور آمریکا معمولاً سبب واقعی ورود خسارت را شرط لازم می‌داند (اونوره، ۱۹۹۵، ۳۶۳) و برای احراز اینکه چه سببی شرط لازم و سبب واقعی ورود خسارت است با معیار (اگر... نبود) روی می‌آورند و این پرسش را مطرح می‌کند که اگر فعل خوانده نبود بازهم خسارت واقع می‌شد؟ در صورت منفی بودن پاسخ خوانده مسبب است و چنانچه پاسخ مثبت باشد، سبب واقعی محسوب نمی‌شود و فاقد مسئولیت است.

۵-۳-۲. سببیت واقعی

در بحث رابطه سببیت واقعی ملاحظه می‌شود که نظریه‌پردازان در بحث انتساب مسئولیت هر یک بدون توجه به سایر عوامل نظریه‌هایی را عنوان کرده‌اند که چهار مورد از این نظریات مورد توجه قرار گرفته است. این چهار نظریه شامل سبب مقدم در تأثیر، سبب فوری، سبب مستقیم و نظریه برابری اسباب است. این موضوع باید مد نظر قرار بگیرد که در بحث احراز رابطه سببیت صرفاً به بحث زمان تشکیل سبب، زمان اثر سبب و ترتیب اسباب توجه شده است و عوامل ذهنی اسباب اعم از عمدی و غیر عمدی به هیچ عنوان ملاک نظر قرار نگرفته است و این اصلی‌ترین و مهم‌ترین ایرادی است که می‌توان

به نظرات اعلام‌شده وارد کرد. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ملاحظه می‌شود که در فرض تعدد اسباب امکان دارد که تعداد اسباب به شکل عرضی یا تعدد اسباب به شکل طولی باشد. در فرض تعدد اسباب به شکل عرضی ماده ۵۳۳ از قانون مذکور حکم فرماست: ماده مذکور بیان می‌دارد: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند». در این موضوع قانون‌گذار تمام اسباب را به طور مساوی ضامن دانستند مورد بعدی تعدد اسباب به شکل طولی است طبق ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیر مجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است؛ مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود». در این ماده قانون‌گذار سبب مقدم در تأثیر را مسئول زیان دانسته است. تمام مواردی که گفته شد صرفاً به عنوان یک قاعده انتزاعی کاربرد دارد و نمی‌توان در هر پرونده با تکیه بر این نظریه‌ها مسبب زیان را شناسایی و مسئول دانست از این رو در بحث شناسایی مسبب زیان باید فارغ از هر قاعده با بررسی زمینه و نوع رفتار انتساب مسئولیت را در نظر گرفت. در مبحث بعدی بیشتر به این موضوع توجه خواهد شد.

۵-۳-۳. سببیت حقوقی (سبب متناسب)

یکی از نظریه‌هایی که در بحث مسئولیت مدنی توانسته جایگاه ویژه‌ای داشته باشد و به نوعی حقوق دانان بهره‌گیری از آن را تا حد زیادی در بحث مسئولیت مدنی جایز شمرده‌اند، نظریه سبب متناسب است. برای «سبب متناسب» دو تعریف در متون فقهی وجود دارد. اولین تعریف مبتنی بر توالی مادی است که به نوعی متناظر با معیار «اگر... نبود» است و گفته شده است سبب یعنی چیزی که عدم، اقتضای عدم را دارد و وجودش اقتضای وجود، تعریف دوم به طور عمده در باب اتلاف بالتسبیب به کار رفته است. سبب چیزی غیر از علت است که با وجود آن تلف حاصل می‌شود؛ به شرطی که سبب از اموری باشد که انتظار علت از آن هست (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۷، ۵۱). اگر نویسنده بخواهد تعریف حقوقی نسبت به سبب متناسب ارائه دهد، این گونه بیان می‌شود که سبب متناسب عبارت است از سببی که فارغ از هر گونه معیارهای از پیش تعریف شده، صرفاً با بررسی اسباب و نقش هر کدام در بروز واقعه، سببی را که ارتباط آن با نتیجه از لحاظ عرف منطقی‌تر و قابل پذیرش‌تر است و همچنین رابطه علی محرز و مشخص دارد بر می‌گزیند.

«این موضوع را باید در ابتدای این مبحث مورد توجه قرار داد که رابطه سببیت حقوقی یا همان سبب متناسب تکمیل‌کننده رابطه سببیت واقعی است و به طور غالب در تعیین محدوده مسئولیت به رابطه سببیت حقوقی استناد می‌شود. بر این اساس باید بین رابطه سببیت واقعی و رابطه سببیت حقوقی تفکیک قائل شد و اظهار کرد که رابطه سببیت واقعی زنجیره‌ای از علل وقوع حوادث است که منجر به

نتیجه زیان بار می‌شود؛ درحالی که رابطه سببیت حقوقی صرفاً بستگی به عوامل مادی تحقق زیان ندارد. رابطه سببیت حقوقی با اصطلاح رابطه سببیت متناسب شناخته می‌شود و معیار اصلی برای تشخیص سبب حقوقی وجود تقصیر و قابل پیش‌بینی بودن ایراد ضرر نسبت به عامل ضرر است» (سیس ون دام، ۲۰۱۳، ۳۱۹-۳۱۶).

در حقوق کشور ایران نظرات متفاوتی در بحث تعدد اسباب طولی چه با بهره‌گیری از مبانی فقهی و چه با بررسی تطبیقی با سایر کشورها مطرح شده است. در بحث این نظریات می‌توان دو دسته را شناسایی کرد: دسته‌ای که بر اساس دیدگاه مادی قصد تشخیص سبب مسئول را دارند و دیدگاه دیگری که صرفاً بر اساس عرف و با معیار عرفی درصدد شناسایی سبب مؤثر هستند. از این رو سببیت متناسب با عنوان سبب حقوقی هم شناخته می‌شود؛ زیرا قانون‌گذار حقوقی را اعتبار می‌بخشد و از آن‌ها حمایت می‌کند که بتواند خارج از هر چهارچوب از پیش تعیین شده شرایط انتساب مسئولیت مدنی را فراهم کند.

۵-۳-۴. ملزومات سبب حقوقی

ملزومات سبب حقوقی عبارت است از مواردی که در ادامه بیان می‌شود.

۵-۳-۴-۱. شرط تقصیر

همان‌طور که در مباحث پیشین مختصر توضیحی داده شد در اینجا باید به این موضوع اشاره کرد که الزام سنجی استفاده از رابطه سببیت حقوقی یا همان

اصلی جرائم غیر عمد دانسته است. در مادهٔ مذکور آمده است: «تحقق جرائم غیر عمدی، منوط به احراز تقصیر مرتکب است. در جنایات غیر عمدی اعم از شبه عمدی و خطای محض مقررات کتاب قصاص و دیات اعمال می‌شود. تبصرهٔ تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آن‌ها، حسب مورد، از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود». ملاحظه می‌شود که وجود احراز تقصیر در جرائم غیر عمد که یکی از مصادیق بارز تسبیب است تصریح شده است.

«در حقوق کشور آمریکا ملاحظه می‌گردد که در توصیف مسئولیت ناشی از تقصیر وجود تقصیر را به وجود وظیفهٔ مراقبتی، نقض آن و خسارت وابسته می‌داند و بررسی مزبور مقدم بر بررسی رابطهٔ علیت از حیث مادی و محدودهٔ مسئولیت است. در این جایگاه یعنی بررسی وجود تقصیر پیش‌بینی پذیری برای تعیین مصداق‌ها خود وظیفهٔ مراقبتی است و اشخاص هدف وظیفهٔ مراقبتی را محدود می‌نمایند. یعنی برای اینکه تقصیر احراز شود باید وظیفهٔ مراقبتی عامل خسارت نسبت به شخص زیان‌دیده احراز شود و این مسئله نشان‌دهندهٔ دو جنبه از نحوهٔ احراز است. اول اینکه، وظیفهٔ مراقبتی خواسته‌شده متناسب و مطابق باشد و دوم اینکه، شخص زیان‌دیده نیز به‌طور نوعی شخصی باشد که عامل زیان به‌نحوی متناسب نسبت به وی دارای وظیفهٔ مراقبتی باشد. مثلاً اگر شخصی در حالت همسایگی مکلف به رعایت وظایف مراقبتی خاص باشد این انتظار وجود ندارد که همین میزان از مراقبت و نسبت به اشخاصی که با فاصلهٔ زیادی از وی زندگی می‌کنند داشته باشد.

سبب متناسب یا متعارف در اینجا است که بعضاً استفاده کردن از معیارهای سببیت واقعی نمی‌تواند سبب واقعی را آشکار کند از این رو الزام‌سنجی بهره‌گیری از سبب متناسب بسیار راهگشاست. در واقع سبب متناسب نه از قاعدهٔ برابری اسباب نه از قاعدهٔ سبب مقدم در تأثیر و نه سبب فوری و نه دیگر از اسباب استفاده می‌کند بلکه در بحث سبب حقوقی یا همان متعارف آن سببی که علت اصلی بروز حادثه بوده شناسایی و به‌عنوان مسبب شناخته می‌شود.

از سبب متناسب با عنوان سبب احتمالی در فلسفهٔ نوین هم یاد می‌شود. اگر قرار باشد به‌طور خلاصه در رابطه با سبب متناسب صحبت شود باید گفت که سبب متناسب درصدد این است تا عاملی را که بیشتر از اسباب دیگر به واقعه در ارتباط بوده است شناسایی کند. برای مثال قرار گرفتن در معرض اشعهٔ ایکس (X) می‌تواند نسبت به سایر دلایل از قبیل: تغذیهٔ نامناسب، استفاده از دخانیات، عدم تحرک و ورزش و ... تأثیر بیشتری بر بروز بیماری سرطان بگذارد و به‌نوعی سبب متعارف و متناسب در خصوص نتیجه که همان بیماری سرطان است شناخته شود. بنابراین این سبب از دیدگاه سبب متناسب یا سبب متعارف عامل تحقق واقعه است. باید توجه داشت که در بحث سبب متناسب تقصیر نقش محوری ایجاد می‌کند یعنی باید ابتدا تقصیر احراز شود و سپس عناصر و ارکان سبب مادی و سبب متناسب بررسی شود؛ چنان‌که این پیش‌شرط در حقوق مسئولیت مدنی کشور آمریکا هم مورد تأیید قرار گرفته است (هارپود، ۲۰۰۹، ۳۰-۲۸).

در تأیید مطالب فوق ملاحظه می‌شود که در مادهٔ ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی قانون‌گذار تقصیر را رکن

اینجاست که اکثر حقوق دانان و فقها عقیده بر این دارند که این ضابطه ذهنی در حکم تقصیر است و فرد نمی‌تواند به استناد اینکه آتش به خودی خود سرایت کرده است نقش خودش را کتمان کند؛ چرا که عرف و تشخیص عموم بر ضمان شخص صحه می‌گذارد (کاشف‌الغطا نجفی، ۱۴۲۲، ۱۶). زیرا آتش در کنار خرمن می‌تواند خطر ساز باشد و تولید ضرر و زیان کند. در جایی که ضابطه ذهنی بسیار نامعقول و دشوار و غیر قابل سنجش باشد می‌توان ضابطه ذهنی را مخدوش دانست با این توضیح که مثلاً سپر ماشینی سابقاً بر اثر تصادف استحکام خودش را از دست داده است و در شرف افتادن است و شخصی با کوچک‌ترین تکیه باعث افتادن سپر می‌شود. اگرچه که اگر آن شخص نبود سپر به‌زودی وضعیتش آشکار نمی‌شد؛ اما باید این موضوع را مد نظر قرار داد که هیچ سپری با کوچک‌ترین تکانی آویزان نخواهد شد. بنابراین در این مثال اگر بخواهیم سبب مناسب را تشخیص دهیم باید شخصی را که اولین صدمه را وارد کرده است عامل اصلی این موضوع قرار دهیم. در این خصوص می‌توان به ماده ۳۷۲ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هم اشاره کرد که به- نوعی می‌تواند موضوع را روشن‌تر کند. ماده مذکور بیان می‌دارد: «هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند به‌گونه‌ای که وی را در حکم مرده قرار دهد و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری با انجام رفتاری به حیات غیر مستقر او پایان دهد، نفر اول قصاص می‌شود و نفر دوم به مجازات جنایت بر میت محکوم می‌شود. حکم این ماده و ماده ۳۷۱ این قانون در مورد جنایات غیر عمدی نیز جاری است».

مثلاً افروختن آتش در محلی که همسایه وجود ندارد و باید تناسب بین افروختن آتش و سرایت آن به محل دورتر وجود ندارد و به‌طور اتفاقی و در اثر جریان باد شدید این اتفاق رخ دهد گفته می‌شود که وظیفه مراقبتی نسبت به زیان‌دیده به‌عنوان شخصی دور از انتظار قابل‌تصور نیست» (ره‌پیک و دیگران، ۱۳۹۹، ۱۴۵).

در خصوص قاعده تقصیر و نقش آن در مسئولیت مدنی حقوق کشور آمریکا باید اذعان کرد که اصل تقصیر در حقوق آمریکا در هر مورد که تقصیر واقع شود سبب مسئولیت مقصر می‌شود و مهم‌ترین دلیل قانع‌کننده آن تکیه بر اعتقادات عمومی است که اجرای اصل مذکور را منصفانه می‌بیند.

۵-۳-۴-۲. پیش‌بینی ضرر

یکی از موضوعات مهمی که جزو ملزومات سبب حقوقی یا سبب مناسب است بحث «پیش‌بینی ضرر» است. در واقع پیش‌بینی ضرر به این شکل است که مسبب از بعد ذهنی این موضوع را مد نظر قرار داده است که اگر فعالیت را انجام دهد این فعالیت می‌تواند به‌نوعی تولید ضرر و زیان کند. به‌بیانی ارتباط مستقیمی بین پیش‌بینی ضرر و ملاک ذهنی وجود دارد. پیش‌بینی ضرر این‌گونه محاسبه می‌شود که هر انسان متعارف و معقولی می‌داند که نوع رفتارش می‌تواند تولید ضرر و زیان کند یا نه. برای نمونه شخصی که برای گرم کردن خودش در کنار خرمن گندم آتش می‌افروزد لزوماً به ذهنش این موضوع متبادر می‌شود که احتمال دارد آتش سرایت کند و خرمن گندم را در بر بگیرد. در حقیقت

قابلیت پیش‌بینی ایراد ضرر با دو معیار شخصی و نوعی قابل سنجش است. ملاک نوعی طرفداران بیشتری دارد به‌طوری که در حقوق آمریکا در اصلاحیه مؤسسه حقوقی آن کشور معیار «ضرر در محدوده ریسک» جایگزین معیار قابلیت پیش‌بینی ایراد ضرر شده است. معیار محدوده ریسک و قابلیت پیش‌بینی ایراد ضرر هرچند دارای هم‌پوشانی بسیاری هستند؛ ولی کاملاً مانند هم نیستند. علت آن است که هر دو معیار مسئولیت مدنی را محدود می‌کنند و بر این اساس خسارتی که به‌اندازه کافی در زمان ارتکاب فعل زیان‌بار قابل پیش‌بینی نیست در میان خطرات فعل تقصیر آمیز قرار نمی‌گیرد یا به عبارت دیگر از آسیب‌های بالقوه نسبت به فعل زیان‌بار محسوب نمی‌شود (زیپورسکی، ۲۰۰۹، ۵۴-۱۲). دلیل استفاده از معیار داخل در محدوده ریسک می‌تواند به‌سبب سهولت در کاربرد این معیار و شفافیت بیشتر آن مربوط باشد. به‌علاوه در معیار، تمرکز بیشتری بر ریسک و خطرات زمان ارتکاب فعل است که کاملاً نوعی است و در مقابل معیار قابل پیش‌بینی ایراد ضرر در موضوعات مربوط به مسئولیت ناشی از تقصیر مبهم است.

۶. نتیجه

از آنجایی که حقوق آمریکا برگرفته از نظام کامن‌لا است، در آن به وضعیت خاص هر پرونده برای انتساب مسئولیت مدنی توجه بیشتری می‌شود؛ ولی در حقوق ایران با توجه به قانون موضوعه مبنای مسئولیت باید از نظر قانونی دارای توجیه باشد. در حقوق آمریکا قائل به درجات مختلف تقصیر هستند و بر مبنای همین درجات تقصیر میزان مسئولیت و

جبران خسارت شخص مقصر محاسبه و ارزیابی می‌شود؛ درحالی که در حقوق ایران تقسیم تقصیر بر حسب شدت و ضعف درجه آن مبنایی ندارد؛ بنابراین درجه تقصیر در میزان مسئولیت مؤثر نیست. باید این موضوع را مد نظر قرار داد که مقامات قضایی رسیدگی‌کننده در بحث مسئولیت مدنی چه در صورت واحد بودن سبب و چه در صورت تعدد اسباب به‌نحو طولی باید توجه به سببی کنند که به‌نحو موجبات فراهم آمدن خسارت را ایجاد کرده است و نمی‌توان صرفاً به دیدگاه‌های مادی و فلسفی و آنچه زیر عنوان تئوری‌های اسباب مسئولیت مدنی (اسباب واقعی) همچون نظریه برابری اسباب، سبب مقدم در تأثیر، سبب بلاواسطه یا نزدیک و سایر اسباب توجه داشت. بنابراین در موارد پیش‌گفته گاه می‌توان از نظریه‌های ارائه‌شده استفاده کرد؛ اما نمی‌توان آن‌ها را ملاک کلی قرارداد. برای مثال در ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که بحث برابری اسباب مطرح شده است، در صورتی که اسباب به نحوه عرض باعث بروز خسارت شوند همه را به‌طور مساوی مسئول شناخته است؛ درحالی که به ضابطه ذهنی هیچ توجهی نشده است. اسباب حقوقی می‌تواند در بعضی از پرونده‌ها دادرس را به این نتیجه برساند یا امکان دارد که باعث گمراهی تصمیم‌شود؛ اما این موضوع اگر با قضاوت عرفی ادغام شود به‌عنوان سبب متناسب و متعارف شناخته می‌شود و به‌راحتی می‌توان سبب مسئول را شناسایی کرد. در حقوق کشور آمریکا برای انتساب مسئولیت مدنی سبب و متناسب در کنار سایر نهادها به‌عنوان نهاد مکمل استفاده می‌شود. بنابراین در تفکیک عوامل مختلف دخیل در تحقق زیان تنها عاملی که آگاهی تحقق ضرر برای اقدام وی وجود دارد به‌عنوان سبب مسئول

پذیرفته می‌شود. اگر نتیجه‌ای که حاصل شده است به‌نوعی غیر قابل پیش‌بینی و در اصطلاح اتفاقی روی داده باشد نمی‌توان آن سبب را عامل زیان شناسایی کرد.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به‌صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

فارسی

- امامی، حسن، حقوق مدنی، چاپ بیست‌وپنجم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۷.

- باقری، پرویز؛ شعبان‌نیا منصور، مهدی؛ اسماعیل‌پور، سیما، «مسئولیت مدنی پلی‌بک در فقه، حقوق ایران و آمریکا با نگاهی به اصول حکمرانی مطلوب»، مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۳۰، زمستان ۱۴۰۰.

- تخشید، زهرا؛ بادینی، حسن، «مقدمه‌ای تحلیلی و انتقادی بر مطالعه تطبیقی حقوق مسئولیت مدنی آمریکا»، مجله مطالعات حقوق خصوصی، سال چهل‌ونهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸.

- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، تهران، نشر کتاب-خانه گنج دانش، ۱۳۸۶.

- حسنی، محمودنجیب، رابطه سببیت در حقوق-کیفری، چاپ دوم، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۱.

- دلبری، محمد، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.

- ره‌پیک، سیامک؛ ولایی، نادر، «تأملی بر نظریه سبب متناسب با بررسی حقوق ایران و حقوق کامن-لا»، نشریه آموزه‌های فقه مدنی، شماره ۲۱، ۱۳۹۹.

- سالارزائی، امیرحمزه، «مسئولیت‌سنجی پزشکان جراح زیبایی با سه مبنای اماره تقصیر، نظریه تقصیر

و تئوری خطر»، نشریه پزشکی قانونی ایران، شماره ۳، ۱۳۹۸.

- عباسلو، بختیار، مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۰.

- فرمان‌فرمایان، ابوالبشر، «مسئولیت حقوقی»، مجله علمی حقوقی انتقادی کانون وکلا، شماره ۴۹، ۱۳۹۵.

- کاپلستون، فدریک، تاریخ فلسفه، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش، ۱۳۷۰.

- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (الزامات خارج از قرارداد؛ زمان قهری؛ مسئولیت مدنی)، چاپ نهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (ضمان قهری-مسئولیت مدنی)، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

عربی

- کاشف الغطاء نجفی، جعفر بن خضر مالکی، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط-الحدیث)، جلد چهارم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲.

- مصطفوی، سید محمدکاظم، القواعد مأه قاعده فقهیه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۲۱.

- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد سی و هفتم، بیروت-لبنان، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴.

لاتین

- Zipursky, Benjamin c, A Theory Punitive of Damages, Texas Law Review, Forthcoming, 2009, p; 12-54.

- Bernstein Herbert, Civil Liability for Pure Economic Loss Under American Tort Law, THE AMERICAN JOURNAL OF COMPARATIVE LAW, Vol. 46, 1998, pp; 111-132.

- Cees Van Dam, European Tort law, 2nd Ed, London, Oxford University press, 2013, p; 316-319

- Charles P. Nemeth, Civil Liability of Security Personnel, Private Security and the Law (Fourth Edition), 2012, pp; 117-120.

- Darrell L. Ross, Overview of Civil Liability, Civil Liability in Criminal Justice (Sixth Edition), 2013, pp; 1-20.

- Dobbs, Dan B, handbook on the law of Remedies, 2th edition, 1973, p; 48.

- Harpwood, Vivienne, Modern Tort Law, 7th Ed., Routledge-Cavendish, 2009, p; 28-30.

- Harpwood, Vivienne, Principle of Tort Law, Cavendish, 4th edition, London, 2003, p; 85.

- Honoré, Tony, Necessary and Sufficient Conditions in Tort Law, in Philosophical Foundations of Tort Law, Collection of Essays, First Published, Clarendon Press, Oxford, 1995, p; 363.

- Mazeaud-Henri, Léon et Jean, Leçons de Droit Civil, T.2 V. I Obligation, 9e édition Par François Chabas, Paris, Montchrestien, 1998, p; 210.